

حقوق بین الملل عمومی

از نمایندگان دول جزو دولت مجتمعه لهذا تصمیمات در آن مجلس باید بنا بر آراء اتخاذ گردد. تصمیمات متخذه مستقیماً در دول جزو واجب الاجرا نبوده و فقط حکومت های آندول حق دارند آنها را بموقع اجرا گذارند

دولت مجتمعه دارای شخصیت خاصی است غیر از شخصیت دولی که آنرا تشکیل داده و میتواند حقوقی را از قبیل حق سفارت جدا گانه مجرا دارد.

صفات مشخصه دول متحده - رشته که دول جزء دولت متحده را با حکومت مرکزی مرتبط میسازد خیلی محکمتر از رشته ارتباط دول مجتمعه بوده و دارای صفات ذیل است:

اولاً از حیث حکمران خارجی اعضاء دولت متحده استقلال خود را به نفع حکومت مرکزی از دست میدهند و از حیث حکمران داخلی استقلال آنها تا حدی باقی میماند که با اجرای قرارداد اتحادی و وظایف حکومت دول متحده منافات نداشته باشد.

ثانیاً دولت متحده دارای حکومت مخصوصی است مافوق حکومتهای دول جزء دولت متحده و آن حکومت نمایندگی دولت متحده را در روابط خارجی عهده دار میباشد و در داخله در اموری که موافق قرار داد اتحادی بعهد حکومت مرکزی محول گردیده و دخالت تام مینماید و تصمیمات آن حکومت مستقیماً در دول جزء واجب الاجراست و در این قسمت اخیر است که نقضی بحکمرانی دول جزء دولت متحده وارد میاید.

چنانکه خراهم دید دول مجتمعه همیشه متمایل بوده اند که وضعیت اجتماعی را تغییر داده و دول متحده تشکیل دهند

بر طبق تقاضای خمس اشخاصی که حق انتخاب کردن را دارا هستند یا سه خمس اعضاء سناتور و قبول قوانینی که بتصویب مجلس مبعوثان رسیده است براء عمومی مراجعه میشود و بلاوه پارلمان مکلف است که کابینه لوایح قانونی و اصلاحات پیشنهادی بقانون اساسی را که بامضای ۷۵۰۰۰ از انتخاب کنندگان رسیده باشد مورد شور قرار دهد.

قوه مجریه تعلق به پادشاه بنماینده گی والی و شورای اجرائی داشته و شورای مذکور که مرکب است از اقلام پنج و اکثر اکترافت وزیر موافق قوانین حکومتهای پارلمانی در مقابل پارلمان مسئولیت امور را عهده دار میباشد.

۴- دولت مجتمعه و دولت متحده - دولت مجتمعه و دولت متحده دو نوع شرکت سیاسی است که چندین دولت برای حفظ منافع مشترکه خود منعقد می سازند.

دولت مجتمعه صفات مشخصه ذیل را داراست:

اولاً دولیکه آنرا تشکیل داده اند استقلال داخلی و خارجی خود را بهیچوجه از دست نداده و می توانند نمایندگی سیاسی بدربار سایر دول اعزام و مبادرت بانقاد عهده نمایند.

ثانیاً در دولت مجتمعه حکومت خاصی که توفیق بر حکومتها دول جزء داشته و موظف با اجرای مقررات قرار داد اجتماعی در داخله و برقراری روابط سیاسی با خارجه باشد وجود ندارد و اموری که موجب تأسیس دولت مجتمعه گردیده است در مجلس موسوم به دیت (Diète) یا کنگره تحت شور قرار گرفته و مجلس مذکور جنبه مجالس مقننه را دارا نبوده و مجلسی است سیاسی مرکب

تا حدی استقلال خود را بدست آورده و به سوی استقلال تام قدم برمیداشتنند .

فرق عمده ایست بین این قسم دول و دول حمایت شده و میتوان گفت دولیکه تحت سلطه دولت دیگر قرار نمیگیرند روز بروز به آزادی و استقلال نزدیک تر میشوند در صورتیکه دول حمایت شده دول مستقل و حکمرانی بودند که به نفع دولت حمایت کنند استقلال خود را از دست داده و فقط دولت مصر است که برخلاف این قاعده از تحت سلطه دولت ترکیه خارج و تحت حمایت دولت انگلیس قرار گرفت و بالاخره استقلال خود را بدست آورد دولیکه سابقاً تحت سلطه دولت ترکیه قرار گرفته بودند عبارت بود از :

مداوی Moldavie و الاشی Valachie صربستان بلغارستان و مصر .

اول مداوی و الاشی - این دو ایالت را دولت ترکیه در نتیجه فتوحات خود در قطعه اروپا متصرف گردیده بود . در قرن هیجدهم دولت روسیه در صدد برآمد که حمایت خود را در آن دو ایالت برقرار دارد و از ۱۸۲۹ الی ۱۸۴۹ آنها تحت حمایت آندولت قرار گرفتند و در ۱۸۴۹ موافق مقررات عهدنامه بالظله لیمان آنها تحت سلطه ترکیه و حمایت روسیه درآمدند . در ۱۸۵۴ در موقع جنگ کریمه Crimée ایالات مذکور از موقع استفاده نموده و برضای روسیه و ترکیه اقداماتی بعمل آوردند و در نتیجه عهدنامه پاریس ۱۸۵۶ حمایت روسیه از آن ایالات مرتفع گردید و قرارداد پاریس ۱۸۵۸ نیز از سلطه دولت ترکیه کاسته و در ۱۸۵۹ آندو ایالت موفق باجرائی آمال دیرین خود گردیده و تحت ریاست یک رئیس واحد ملقب به Hospodar سپیدار قرار گرفتند و وحدت ملی آنها علمی گردید و در ۱۸۶۱ این رشته بوسیله تأسیس یک مجلس مقننه واحد در شهر بوکارست محکمتر شد و در ۱۸۶۷ شاهزاده شارل دو هوهن زلرن - Charles de Hohen zollern به همپاداری این ایالت استقرار یافت .

فلا دول مجتمعه در عالم وجود نداشته و دول سویس اتازونی و آلمان از جمله دول متحده میباشند و بیان وضعیت قانونی آنها از وظایف حقوق اساسی است .

فقره دوم انواع دول از لحاظ حکمرانی

از لحاظ حکمرانی دول را به مستقل و ناقص - استقلال تقسیم مینمایند .

دول ناقص الاستقلال - ناقص الاستقلال دو لیرا گویند که از اجرای کامل حق حکمرانی مخصوصاً از اجرای حق حکمرانی خارجی محروم باشند .

دول ناقص الاستقلال را نباید با دول جزو دولت متحده در یک ردیف قرارداد زیرا برخلاف این قسم اخیر از دول که از حق حکمرانی خارجی بکلی محروم گردیده و شخصیت حقوق بین المللی را دارا نیستند دولت ناقص - الاستقلال شخصیت حقوقی خود را محفوظ داشته و حق حکمرانی را داراست منتها مانند سفار و محجورین از اجرای آن حق کلاً یا جزاً محروم گردیده است .

سلب حق اجرای حکمرانی خارجی در دولت ناقص الاستقلال درجات مختلفی داشته گاهی دولت مذکور میتواند با اجازه دولت حامی روابط سیاسی با سایر دول برقرار دارد و گاهی باید کتبه اقدامات بین المللی را بتوسط دولت حمایت کنند مجراد دارد و نمایندگان سیاسی دولت اخیر حفظ منافع او را در دربار های خارجه بعهده گرفته و از طرف او مبادرت به مذاکرات و عقد قرارداد مینمایند . دول ناقص الاستقلال را به سه نوع میتوان مقسم نمود :
اولاً دولیکه سابقاً تحت سلطه دولت ترکیه قرار گرفته بودند .

ثانیاً دول حمایت شده

ثالثاً دولیکه تحت قیمومت جامعه ملل قرار گرفته اند
اولاً دولیکه سابقاً تحت سلطه دولت ترکیه قرار گرفته بودند - این دول عبارت بودند از ایالات اروپائی ترکیه در نتیجه انقلاب و حمایت دول معظمه